

امام حسین علیه السلام الگوی مقاومت در برابر ظلم و بی عدالتی

حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر*

اشاره

داشتن روحیه مقاومت در برابر ظلم و بی عدالتی، نشانه برخورداری از بینش صحیح اعتقادی، اعتماد به نفس، بیداری و دغدغه مندی درباره سرنوشت خود و جامعه ایمانی است. با داشتن الگوی مناسب، راحت تر می توان به چنین صفاتی آراسته شد و با استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل مبارزه کرد که مظهر ستمگری، بی عدالتی و نژادپرستی هستند.

اسلام با وجود دارا بودن آموزه های ارزشمند، برای سبک زندگی از الگوهایی سخن می گوید که با نگاه و همراهی با آنان می توان مسیر فراز و فرود زندگی از جمله مقاومت در برابر دشمنان را با موفقیت طی کرد. امام حسین علیه السلام انسان کاملی است که قرآن ایشان را با اوصافی چون پاکان از بدی ها،^۱ نیکوکاران،^۲ اولی الامر،^۳ راستگویان^۴ و فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. روحیه مقاومتی که امام حسین علیه السلام در برابر ظلم و بی عدالتی داشت و چون آینه تمام نمای انسان کامل است، می تواند همچون مشعلی فروزان مسیر صحیح را در رفتار با دشمنان نشان دهد؛

* پژوهشگر پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.

۱. احزاب: ۳۳.

۲. انسان: ۵.

۳. نساء: ۵۹ - ۸۳.

۴. توبه: ۱۱۹.

۵. آل عمران: ۶۱.

۶. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۳، ص ۳۲۴۸ - ۳۲۵۲.

۷. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۹۵ و ج ۷، ص ۳۳۳.

۸. ممتحنه: ۴ - ۶؛ احزاب: ۲۱.

۹. آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۵۶۸.

همان‌طور که شاعر گفته است:

آینه حق‌نما، حسین است حسین
جان و تن مصطفی، حسین است حسین
مصباح هدایت بشر تا محشر
بی‌شبهه حسین است حسین

ضرورت الگو

داشتن الگو در همه زمینه‌ها، از اتلاف وقت‌ها جلوگیری می‌کند و کمک‌کننده به ارتقای کمی و کیفی زندگی در استفاده بهینه از امکانات و فرصت‌ها و سبب رسیدن به اهداف عالی خواهد بود. شخصیت‌هایی مانند امام حسین علیه السلام از جمله کسانی است که می‌تواند الگوی مناسبی برای زندگی به‌ویژه در حوزه مقاومت و مبارزه با بی‌عدالتی باشد؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مُصْبِحُ هَدًى وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ»؛^۱ یعنی هنگامی که به کاری نیاز دارید، آن حضرت شما را از دریای طوفان‌ده رهایی می‌دهد و به ساحل امن می‌رساند و زمانی که محتاج اندیشه‌اید، او رهنمای باورهای شماست.^۲ همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که دوست دارد به محبوب‌ترین اهل زمین در نزد آسمانیان نگاه کند، پس به حسین نظر نماید».^۳ در زمین هم وقتی به رفتار آن حضرت نگاه می‌کنیم، او را شخصیتی می‌بینیم که در برابر دشمنان و بی‌عدالتی‌ها مقاومت ورزید و از هر آنچه در توان داشت، دریغ نرزیده است؛ از این‌رو مورد توجه امامین انقلاب اسلامی قرار گرفته است. امام خمینی رحمه الله درباره آن حضرت که با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد (و) مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت، فرمودند: «هر روز باید در هر جا این "نه" محفوظ بماند. و این مجالسی که هست، دنبال همین است که این "نه" را محفوظ بدارد». ایشان در عبارتی اظهار داشتند: «عمل امام حسین علیه السلام، دستور است برای همه: كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا؛ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَوْيلَاء».^۴ «مولای شما حسین بن علی علیه السلام فداکاری کرد، ... و شما که شیعیان و محبان او هستید، باید به او اقتدا کنید».^۵

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹ - ۶۰.

۲. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۸، ص ۲۲۷.

۳. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۷۳.

۴. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۶.

۵. همان، ج ۱۸، ص ۱۶۸.

رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند: «همچنان که حسین بن علی علیه السلام عزّت بود که فرمود: "هیئات منا الذلّة"، این ملت هم در عرصه های مختلف نشان دهد که گرد ذلّت بر دامانش نخواهد نشست و در عزّت مندی و عزّت مداری پیرو آقا و سالار خود حسین بن علی علیه السلام خواهد بود»^۱.

پس با الگوگیری از چراغ هدایت در جایگاه انسان کامل می توان خود را آراسته به روحیه مقاومت در برابر ظلم و بی عدالتی نمود؛ چون آن حضرت دل ها را با نور هدایتش فروزان کرده است و فرماندهی می نماید؛ همان طور که شاعر گفته است:

فرمانده عشاق، دل آگاه حسین است بیراهه مرو، ساده ترین راه حسین است
از مردم گمراه جهان راه مجوید نزدیک ترین راه به الله حسین است

بر اساس الگو و سیره امام حسین علیه السلام در حوزه مقاومت، در دو بخش گفتاری و عملی به این امر می پردازیم.

بخش گفتاری مقاومت در برابر ظلم و بی عدالتی

امام حسین علیه السلام در مقاومت و مبارزه با بی عدالتی یزید، اقداماتی گفتاری را در مراحل گوناگونی پیش از فرارسیدن جنگ و مبارزه فیزیکی داشتند که به نمونه های مهمی از آنها اشاره می شود.

۱. در دیدار با والی مدینه

امام حسین علیه السلام در دیدار با ولید - والی مدینه - فرمود: «یا أمیرنا أهل بیت النبوة ومعدن الرسالة بنا فتح و بنا ختم، و یزید فاسق فاجر شارب الخمر قاتل النفس المحرمة معلن بالفسوق و الفجور و مثلي لا یبایع مثله»^۲ ای امیر، ما خاندان پیامبر هستیم و سرچشمه رسالت. "رهبری امت" از ما شروع شده و به ما پایان می پذیرد و یزید [انسانی] فاسق، فاجر، شراب خور، قاتل افراد محترم [بی گناه] و انجام دهنده کارهای فسق و فجور است و فردی مانند من با فردی مانند او بیعت نمی کند». این فرمایش امام حسین علیه السلام به ویژه جمله «و مثلي لا یبایع مثله» واکنش سریع و شفاف است مبنی بر بی لیاقتی یزید بر مسند خلافت و افرادی مانند من نباید با چنین آدمی بیعت کند و خلافتش را بپذیرد؛ پس باید با چنین فردی که آمیخته به ستمگری و بی عدالتی و انواع صفات رذایل است، مبارزه کرد و در این راه مقاومت ورزید.

۱. سیدعلی خامنه ای، پیام نوروزی، ۱۳۸۱/۰۱/۰۱.

۲. نورالله بن شریف الدین شوشتری، إحقاق الحق، ج ۳۳، ص ۶۱۵.

۲. بعد از شهادت مسلم

امام حسین علیه السلام پس از شنیدن خبر شهادت مسلم، یاران و همراهان خود را در جریان قرار داد و فرمودند: «خبر بسیار تأثر انگیزی به ما رسیده است که کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر است و شیعیان ما دیگر ما را یاری نمی کنند؛ پس هریک از شما که دوست دارد برگردد، می تواند برگردد و از طرف ما بر گردش عهد و حقی نیست».^۱ حضرت با چنین رفتاری با همراهان خود آنان را در ادامه مسیر و مبارزه با دشمن آزاد گذاشت و حق و عهد خود را از آنان گرفت؛ ولی هیچ خللی در روحیه مقاومت ایشان در برابر ستمگر و بی عدالتی دشمن به وجود نماند و ایشان به راه خود ادامه دادند.

۳. در واکنش به پیشنهاد صلح

وقتی امام حسین علیه السلام برای لشکریان عمر سعد از باب اتمام حجت سخنرانی کردند، یکی از مخاطبان لشکریان عمر سعد به نام قیس بن اشعث به حضرت پیشنهاد کوتاه آمدن و صلح با یزید را مطرح می کند؛ اما امام در پاسخ فرمود: «وَلَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَفْرِقُ رَأْسَ الْعَبِيدِ ثُمَّ تَأْذَى يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ»^۲ نه به خدا سوگند، من به شما دست ذلیلانه نخواهم داد و [مانند] بردگان فرار نمی کنم. [سپس] آنان را فراخواند و فرمودند: ای بندگان خدا، به درستی که من به پروردگار خود و شما پناه می برم که سنگسارم نمایید و پناه می برم به پروردگار خود و شما از هر متکبری که به روز حساب [قیامت] ایمان ندارد».

۴. در منطقه زباله

امام حسین علیه السلام در منطقه زباله خطاب به همراهان و اصحاب خود فرمودند: «إِيهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السِّيفِ وَطَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَالْأُخْرَى لِنَصْرَفَ عَنْهَا»^۳ ای مردم، هر کدام از شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها صبر کند، با ما قیام کند [و بماند]؛ وگرنه از میان ما بیرون رود [و خود را نجات دهد]». حضرت چون می دانست گروهی از همراهان عرب گمان می کردند به شهری می روند که مردمانش از حضرت اطاعت می کنند و

۱. محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۷۶؛ محمد سماوی، إِبْصَارُ الْعَيْنِ، ص ۹۴.

۲. لوط بن یحیی أبو مخنف، وقعة الطف، ص ۲۰۸ - ۲۰۹؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۵، ص ۴۲۵ - ۴۲۶.

۳. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۶۲.

مقاومت می‌ورزند، تصمیم گرفت آنان را به وقایعی که مواجه خواهند شد آشنا کند تا ناآگاهانه همراهی نکنند. بر این اساس گروهی از مخاطبان پس از شنیدن سخنان حضرت متفرق شدند و جداگردیدند.^۱ سخنان حضرت دلالت دارد که مبارزه با ستمگری و بی عدالتی، نیازمند به صبر و مقاومت است و کار هر کسی نیست.

۵. شب و صبح عاشورا

امام حسین علیه السلام شب عاشورا که شبی بسیار حساس و سرنوشت‌ساز بود، پس از بیان شرایط و تمجید از یاران و اینکه دشمنان فقط با او کار دارند، خطاب به اصحاب فرمودند: «... وانی قد اذنت لكم فانطلقوا جميعا في حل ليس عليكم مني ذمام وهذا الليل قد غشيكم فاتخذوه جملا ثم لياخذ كل رجل منكم بيد رجل من اهل بيتي تفرقوا في سوادكم و مدائنكم حتى يفرج الله، فان القوم انما يطلبوني:^۲ و من به شما اجازه می‌دهم که همگی آزادید و بیعت خود را از شما برداشتم و به همه شما رخصت می‌دهم. شما آزادید و می‌توانید بروید. از طرف من هیچ عهد و پیمانی بر عهده شما نیست. شب است و تاریکی همه جا را فرا گرفته است، از تاریکی آن استفاده کنید و آن را غنیمت بشمارید و از این بیابان دور و پراکنده شوید و مرا تنها با این مردم بگذارید؛ زیرا آنان جز من با کس دیگری کاری ندارند».^۳ پس از پایان صحبت‌های امام همه مخاطبان از فرزندان، برادران، خویشاوندان و همه اصحاب، اعلان و فاداری کردند.^۴

حضرت در صبح عاشورا پیش از شروع جنگ دستان خود به آسمان بلند کرد و با خداوند چنین راز و نیاز نمود: «اللهم أنت تقتي في كل كرب، و رجائي في كل شده، و أنت لي في كل امر نزل بي ثقه و عده، ... فأنت ولي كل نعمه، ...: پروردگارا، تویی مایه اعتمادم در هر پیشامد ناگواری؛ تویی امیدم در هر پیشامد سخت و دشواری؛ تویی در هر کاری که پیش آید. مایه اطمینان و کارگشای منی، ... تو بخشنده هر نعمتی هستی ...».^۵

۱. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۸۰۷.

۲. نورالله بن شریف‌الدین شوشتری، إحقاق الحق، ص ۱۴۵ - ۱۴۶؛ نک به: محسن الأمين، أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۶۰۰ - ۶۰۱.

۳. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ص ۴۹.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۵، ص ۴۱۹ - ۴۲۰.

۵. همان، ص ۴۲۳.

۶. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ص ۵۰.

بخش عملی مقاومت در برابر ظلم و بی عدالتی

سعدی شیرازی گفته است:

سعدیا گرچه سخندان و مصالح گویی به عمل کار برآید به سخندانی نیست

بنا بر آنچه در تاریخ ثبت شده است، امام حسین علیه السلام در مراحل مختلف و اوج حوادث ناگوار در عاشورا، مقاومتی شگفت‌انگیز از خود نشان داده است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۱. پس از شهادت گروهی از اصحاب

امام حسین علیه السلام پس از کشته شدن تعدادی از یار باوفایش، بار دیگر با قاطعیت و با روحیه مقاومت فرمودند: «أما والله لا أجيهم إلى شيء مما يريدون حتى ألقى الله تعالى وأنا مخصب بدمي»^۱ آگاه باشید به خدا سوگند من به هیچ‌یک از خواسته‌های اینها جواب مثبت نخواهم داد تا درحالی‌که به خون خویش خضاب شده‌ام، به لقای خداوند نایل گردم». فرمایشات حضرت بیان‌کننده آن است که نقشه قتل ایشان از سوی دشمن حتمی است و جمله «والله لا أجيهم...» که با سوگند به خداوند همراه است، نشان‌دهنده اوج قاطعیت و صلابت و روحیه مقاومت در مبارزه با ستمگری و بی عدالتی دشمن است.

۲. در کنار جنازه مسلم بن عوسجه

مسلم بن عوسجه وقتی که دید امام حسین علیه السلام مورد هجوم دشمن قرار گرفت، خودش را به امام رساند و از ایشان دفاع کرد که ناگهان نقش بر زمین شد. درحالی‌که هنوز رمقی در بدن داشت، امام حسین علیه السلام و حبیب بن مظاهر بر کنارش قرار گرفتند. حضرت خطاب به مسلم فرمود: رحمت پروردگار بر تو باد ای مسلم بن عوسجه. سپس آیه «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^۲ را قرائت نمود. حبیب بن مظاهر نزدیک شد و خطاب به مسلم گفت: «سخت است بر من جان‌کندن تو، به خودت بهشت را بشارت ده». مسلم با صدای ضعیفی گفت: خداوند تو را بشارت خیری دهد. بعد حبیب گفت: اگر وصیتی در این لحظه داری، بگو. او در پاسخ گفت: تو را به این آقا یعنی حسین سفارش می‌کنم. حبیب در پاسخ گفت: به پروردگار کعبه، انجام خواهم داد.^۲ قرائت آیه از سوی حضرت بیان می‌کند که شهادت دوستان با همه

۱. جمعی از نویسندگان، مع الרכب الحسيني، ج ۴، ص ۲۷۰.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۵، ص ۴۳۶.

تلخی و ناراحتی که به همراه دارد، خللی در مبارزه و مقاومت ایشان در برابر ستمگری و بی عدالتی دشمن وارد نمی کند، بلکه او مشتاقانه در انتظار شهادت است.

۳. سفارش به اصحاب

امام حسین علیه السلام با اصحابش در صبح عاشورا نماز صبح را با جماعت خواند و بعد از حمد و ستایش الهی، خطاب به آنان فرمودند: «ان الله عز و جل قد اذن في قتلکم اليوم و قتلي و علیکم بالصبر و الجهاد»^۱ خداوند امروز به شما اجازه کشتن و جهاد [با دشمنان را] داده است و بر شما باد صبر و جهاد».

۴. سفارش به علی اکبر علیه السلام

حضرت علی اکبر که شبیه ترین خلق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، نخستین نفر از خاندان ابوطالب بود که با اذن پدر وارد میدان شد؛ ولی بعد از لحظاتی از مبارزه با دشمنان احساس تشنگی نمود و برای تجدید قوا نزد پدر آمد و درخواست آب کرد. حضرت در پاسخش فرمود: «اصبر حبیبی فانک لا تمسی حتی یسقیک رسول الله صلی الله علیه و آله بکأسه»^۲ ای محبوبم صبر کن؛ زیرا به زودی از دست جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله سیراب می شوی».

۵. مقاومت در اوج غربت و تنهایی

به دو نمونه از اوج غربت و تنهایی امام حسین علیه السلام اشاره می شود که بیان کننده اوج مقاومت و سلحشوری حضرت در برابر ستمگری و بی عدالتی دشمنان است.

الف) اوج غربت و تنهایی حضرت، حملات همه جانبه دشمن به ایشان است؛ ولی ایشان چنان با روحیه مقاومت در مبارزه با ستمگری و بی عدالتی مبارزه می کند که سبب شگفتی بینندگان شده است. راوی درباره دلآوری و مقاومت حضرت دو بار سوگند یاد می کند و می گوید: «شدت علیه رجاله ممن عن یمینه و شماله، فحمل علی من عن یمینه حتی ذعروا، و علی من عن شماله حتی ذعروا! فوالله ما رأیت مکسورا قط - و قد قتل ولده و أهل بیته و أصحابه - أربط جأشا و لا أمضی جنانا و لا أجراً مقدما منه! والله ما رأیت قبله و لا بعده مثله! إن کانت

۱. علی بن حسین مسعودی، إثبات الوصیة، ص ۱۶۶.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۱۶؛ نک به: نعمان مغربی، المناقب والمثالب، ص ۳۰۵ - ۳۰۶؛ عبدالله بحرانی اصفهانی، مستدرک عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۲۸۸.

الرجالة لتتكشف من عن يمينه و شماله انكشاف المعزى اذا شدّ فيها الذئب: ^۱ و ^۲ با اینکه فرزندان و خاندان و یارانش به شهادت رسیده و از هر سو در مانده گشته بود، خود با قلبی استوار و روحیه‌ای قوی و شهامتی بی نظیر جنگ را ادامه می‌داد. هر چه افراد دشمن وی را محاصره می‌کردند و کار را بر او سخت‌تر می‌ساختند، او نیز با شمشیر برّان خود از چپ و راست به آنان هجوم می‌برد و بر قلب دشمن می‌تاخت؛ چنان‌که گویی همه آنها چون گوسفندانی از برابر آن حضرت می‌گریختند».

ب) زمانی که امام علیه السلام بر زمین افتاده بود، بهترین و زیباترین جملات را با پروردگارش در فضا و فراز هستی طنین‌انداز کرد و همگان را با بدن‌های مجروح و خون‌آلود و با قلبی مالا مال از اندوه فراق خانواده و یاران و بی‌وفایی دعوت‌کنندگان، شگفت‌زده ساخت. ایشان چنین با روحی آرام و باشکوه رازونیاز کرده است: «يا إلهي صبرا على قضائك ولا معبود سواك يا غياث المستغيثين. ^۳ مالي رب سواك ولا معبود غيرك. صبرا على حكمك، يا غياث من لا غياث له، ... احکم بيني وبينهم و أنت خير الحاكمين: ^۴ در برابر قضای تو صبر می‌کنم، خدایی جز تو نیست. ای کمک‌کننده کمک‌خواهان، نیست برای من پرودگاری غیر تو و معبودی جز تو وجود ندارد. بر حکم تو صبر می‌کنم ای کمک‌کننده کسی که کمک‌کننده‌ای برایش نیست. بین من و آنان حکم فرما که تو بهترین حکم‌کنندگانی».

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.
۲. ابن سعد، کاتب واقدی، الطبقات الکبری، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، مصحح: هاشم رسولی و محمد حسین آشتیانی، قم: علامه، [بی‌تا].

۱. سید محسن امین عاملی، سیره معصومان، ج ۵، ص ۸۴ - ۸۵.

۲. لوط بن یحیی أبو مخنف، وقعه الطف، ص ۲۵۰ - ۲۵۲.

۳. سلیمان بن ابراهیم، قندوزی ینایع المودة، ج ۳، ص ۸۲.

۴. باقر شریف قرشی، حیاة الإمام الحسین علیه السلام، ج ۳، ص ۲۸۸.

۴. ابوالفرج، اصفهانی، مقاتل الطالبیین، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۵. اقبال لاهوری، محمد، کلیات اقبال لاهوری، ارومیه: حسینی اصل، ۱۳۸۹ ش.
۶. امین عاملی، سیدمحسن، سیره معصومان، مترجم: علی حجتی کرمانی، چ ۲، تهران: سروش، ۱۳۷۶ ش.
۷. بحرانی اصفهانی، عبدالله، مستدرک عوالم العلوم (من فاطمة الزهراء علیها السلام إلى الإمام الجواد علیه السلام)، قم: مؤسسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۸. جمعی از نویسندگان، مع الרכب الحسینی، چ ۲، قم: تحسین، ۱۳۸۶ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، محقق: علی اسلامی، قم: اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چ ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: مصطفی حسین احمد، چ ۳، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. سماوی، شیخ محمد بن طاهر، ابصار العین، قم: زائر، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، تفسیر القرآن العظیم، اردن: دارالكتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، مقدمه نویسنده: محمد محسن آقابزرگ تهرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۷. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، چ ۲، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، محقق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ق.
۱۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، چ ۲، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام الحسین علیه السلام، چ ۴، قم: مدرسه علمیه ایروانی، ۱۴۱۳ ق.

۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: طیب موسوی جزائری، چ ۳، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۲۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة لذوی القربی، چ ۲، قم: اسوه، ۱۴۲۲ ق.
۲۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، محقق: محمد کاظم، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع والنشر، ۱۴۱۰ ق.